

ضرورت تشکیل شبکه اطلاع‌رسانی

معارف اسلامی در ایران*

دکتر عباس حرّی

بر مجموعه‌های پیشین افزوده است و باز هم خواهد افزود. اما از آن همه « فضل پدر » ما را « چه حاصل » آمده است؟ آنچه اکنون در دست داریم، چیست؟ این که ما به دنبال تلاش‌های آنها چه کرده‌ایم و در چه نقطه‌ای از هرم تمدن جهانی ایستاده‌ایم، خود مقوله دیگری است. سؤال این است که آنچه آنها کرده‌اند و نوشته‌اند و بعدها بر آن مجموعه افزوده شده، در کجاست؟ چگونه نگهداری می‌شود؟ چگونه می‌توان به آنها دست یافت؟ و آنچه را امروزیان کرده‌اند، چگونه می‌توان بازساخت؟

حقیقت امر این است که پیوند میان تلاش‌های علمی و فرهنگی مسلمانان جهان از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست. مفهوم « تعاون » که چنان با قدرت و صلابت بر مسلمانان نازل شد، اکنون دارای کمترین تجلّی عملی است. گویی تکرار آن نوعی مصونیت اُمّی پدید آورده است. چه ابهامی در « تعاونوا علی

در بخش پر ثمر تاریخ اسلام، بزرگترین دانشمندان جهانی پرورش یافتند، کتاب‌ها نوشتند، شاگردها پروردند، و تا رأس هرم اندیشمندان زمان صعود کردند^۲، و بسیاری از عالمان دوران را ریزه‌خوار خوان معرفت خویش ساختند. مساجد با حلقه‌های درس و بحث خود با کتابخانه‌ها چنان در هم تنید^۳ که بیشتر به مجامع و محافل علمی و محلّ تعاطی اندیشه‌ها می‌مانست. گویی که سجده عالمانه و برخاسته از آگاهی نسبت به عظمت خداوند در چنین مکان‌هایی زینده‌تر و سزاوارتر می‌نمود. سلاطین، حکام و وزیران با تأسیس کتابخانه، برای خود فخر می‌آفریدند، که اندیشه زمان آن را فخر می‌شمرد و فرمانروایان پیوسته بر آن بوده‌اند که حمایت اندیشه عصر را به سوی خود بخوانند.

درباره مفاخر تمدن اسلامی از این بابت بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند و تکرار همان گفته‌ها و نوشته‌ها نیز علی‌الظاهر

از جمله افتخارات تمدن اسلامی تکیه فراوان آن بر کتاب، علم اندوزی و مفاهیم وابسته و متعلق به آنهاست. کتاب نه تنها خود معجزه این آیین تلقی می‌شود، بلکه بر استفاده از آن، حتّی در معانی به ظاهر نامتعارف، اصرار شده است. « قلم » به عنوان ابزار تولید کتاب، و « ما یسطرون » به عنوان تجلّی معانی و مفاهیم مندرج در کتاب تا اوج قابلیت سوگند خوردن ارتقا می‌یابد و اوج الوهیت خداوند با تعلیم با قلم تصویر می‌شود که خود تأکید بر کتاب است، و « علم » به مثابه منشأ شکل‌گیری کتاب و منتهای فراگیری از کتاب، در چهارمین مرتبه از فراوانی (۷۵۰ بار) در قرآن کریم، پس از کلمات کلیدی پربسامدی چون اله (۲۸۰۰ بار)، ربّ (۹۵۰ بار) و ایمان (۷۵۵ بار)^۱ قرار می‌گیرد.

احادیث و روایات فراوانی درباره اهمیت و ارزش کتاب و نوشتن و خواندن در متون و منابع موجود است.

البرّ والتقوى « است ؟ و کدام « برّ » و نیکویی برتر از دانش‌آموزی، معرفت اندوزی، و داد و ستد دانش و اطلاعات میان امت اسلامی است ؟

دانش و اطلاعات موجود در زمینه علوم اسلامی که در متون و منابع مضبوط است و در نقاط مختلف نگهداری می‌شود، بسیار دشواریاب‌تر از گذشته است. موانع دستیابی به این مجموعه از دانش و اطلاعات، برخی به دلیل وجود مرزبندی‌های سیاسی، و بعضی ناشی از قید و بندهای سازمانی، مدیریتی و بعضاً انحصارطلبانه است، که طبعاً بعضی از آنها موانع بیرونی و بین‌المللی و برخی موانع درونی و ملی است. گرچه این موانع تنها بر سر راه داد و ستد اطلاعات و معرفت دینی نیست و ناظر بر کلّ اطلاعات و دانش در حوزه‌های علوم و فنون است^۴، لیکن آنچه در این مختصر مورد نظر است منحصرآ علوم و معارف اسلامی است، و مشخصاً علوم قرآنی، حدیث، فقه و اصول، کلام، حکمت، رجال، و حوزه‌های وابسته و نیز فهارس مرتبط با آنهاست.

وضعیت موجود در ایران

بی تردید، نخستین شرط برای برقراری تعاون و داد و ستد اطلاعاتی در مقیاس منطقه‌ای یا بین‌المللی، حضور جدّی نظامی تعریف شده در مقیاس محلی و ملی است.^۵ در ایران، به عنوان

یکی از کشورهای اسلامی، سازمان‌های متعدّدی به تلاش در زمینه دسترس‌پذیر ساختن اطلاعات اسلامی می‌پردازند^۶ که پیوندی با یکدیگر ندارند و مدیریت هماهنگی بر آنها نظارت ندارد و همچنین رابطه‌ای جدّی نیز با مراکز مشابه بین‌المللی برقرار نکرده‌اند. این سازمان‌ها ممکن است کلاً یا بعضاً به مسائل مربوط به دانش و اطلاعات اسلامی بپردازند که می‌توان از مراکزی در مشهد، قم، تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و شهرها و استان‌های مختلف دیگر نام برد. اما مراکز تحقیقاتی فرهنگی و نیز کتابخانه‌های مرتبط با آنها عمدتاً در سه شهر قم، مشهد و تهران مستقر است. طبق بررسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۲، تعداد ۶۵ مرکز تحقیقاتی فرهنگی در قم به مطالعه و تتبع اشتغال دارند و تعداد ۲۷ کتابخانه نیز در این شهر فعال است، که از این میان به جز معدودی، بقیه با مطالعات اسلامی ارتباط دارند.^۷ در مشهد نیز ۲۵ مرکز فرهنگی و ۲۸ کتابخانه به فعالیت اشتغال دارند.^۸ در تهران بیش از ۱۴ مرکز مشخصاً به مطالعات اسلامی می‌پردازند.^۹ لیکن مراکز و کتابخانه‌های متعدّدی وجود دارد که بخش قابل‌اعتنایی از فعالیت‌ها یا مجموعه آنها به علوم اسلامی تعلق دارد. تعداد منابع موجود در کتابخانه‌های این حوزه از ۳۲۵ جلد تا ۵۳۱/۰۰۰ جلد

دانش و اطلاعات موجود در زمینه علوم اسلامی که در متون و منابع مضبوط است و در نقاط مختلف نگهداری می‌شود، بسیار دشواریاب‌تر از گذشته است. موانع دستیابی به این مجموعه از دانش و اطلاعات، برخی به دلیل وجود مرزبندی‌های سیاسی، و بعضی ناشی از قید و بندهای سازمانی، مدیریتی و بعضاً انحصارطلبانه است

متغیر است. متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی به ندرت در این کتابخانه‌ها به فعالیت مشغولند، و همکاری و داد و ستد میان این مراکز و کتابخانه‌ها، حتی در میان واحدهای مستقر در یک شهر نیز چندان معمول نیست.

گام‌های اخیری که در زمینه رایانه‌ای کردن این اطلاعات برداشته شده، مسؤلیت هماهنگی سازمان‌های مرتبط با این امر را بیشتر کرده است؛ به عنوان مثال، تعداد ۱۰۷ بانک اطلاعاتی در قم و تهران ایجاد شده که همگی به ذخیره اطلاعات مختلف در حوزه معارف اسلامی می‌پردازند. مروری بر این بانک‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که به میزان ۳۳ درصد همپوشانی در محتوای

نظام اطلاع‌رسانی اسلامی باید همچون پیکری واحد عمل کند تا بتواند هم در نظام کلان اطلاع‌رسانی کشور جایگاه مشخصی به خود اختصاص دهد و هم در مقیاس بین‌المللی به داد و ستد اطلاعاتی با سایر جوامع و مجامع اسلامی بپردازد. باشد که این همه، پرتوی از درخشش‌های کهن اسلامی را بر تیرگی‌های عصر حاضر بتاباند.

بانک‌ها وجود دارد. این بجز همپوشانی بانک‌ها به دلیل تعریف نشدن حدود و ثغور موضوعی هر یک از آنهاست، و گرنه درصد همپوشانی فراتر خواهد رفت.

در این مراکز، گرچه کارهای موازی و تکراری انجام می‌شود، لیکن فعالیت‌های سودمندی نیز صورت گرفته که می‌تواند در نظامی هماهنگ مورد استفاده کلیه این مراکز و سایر سازمان‌های علاقه‌مند قرار گیرد. اما چنین اقدامی مستلزم داشتن برنامه‌ای جامع برای ایجاد هماهنگی میان این گونه فعالیت‌ها جهت بهینه‌سازی اطلاع‌رسانی اسلامی است، و این هماهنگی تنها با حضور نظامی تعریف شده برای این منظور میسر است. چنین نظامی را می‌توان به اعتباری، «شبکه

ملی اطلاع‌رسانی اسلامی» نامید، و ناگزیر باید علاوه بر ایجاد ارتباط میان اعضا، شرایط هماهنگی میان مراکز عضو شبکه را نیز پدید آورد، و این خود مستلزم تعریف تشکیلاتی شبکه است.

درک درست نسبت به چنین نیازی، در واقع چند سال پیش در حوزه علمیه قم احساس شد. در سال ۱۳۶۹ به سفارش مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، طرحی برای ایجاد نظام اطلاع‌رسانی اسلامی تهیه و تدوین گردید که در آن ضرورت‌ها و برنامه‌های نظامی هماهنگ برای اطلاع‌رسانی در حوزه گسترده معارف اسلامی عنوان شده بود. این طرح، البته هیچ‌گاه به طور جامع تحقق عملی و اجرایی نیافت، اما یک سلسله برنامه‌های مقدماتی و ملزومات امر به طور مجزا به اجرا درآمد، که تدوین اصطلاحنامه علوم قرآنی، به عنوان بخشی از اصطلاحنامه علوم اسلامی، معاجم گوناگون، راهنماهای مراکز فرهنگی در یکی دو شهر از آن جمله‌اند.

اما از آن زمان تاکنون قریب ۶ سال می‌گذرد و در این فاصله، وقایع مهم و تعیین‌کننده‌ای در اطلاع‌رسانی اسلامی پدید آمده است، که از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره داشت:

۱. تأسیس مراکز جدید که فعالیت خود را در حوزه دانش‌های اسلامی آغاز کرده‌اند؛

۲. اجرای برنامه‌های جدید در مراکزی که قبلاً وجود داشته‌اند

۳. تشکیل بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی رایانه‌ای در زمینه معارف اسلامی.

این رویدادها، طبعاً ضرورت هماهنگ کردن فعالیت‌ها را محسوس‌تر کرده است، و دلایل این ضرورت نیز خود ناشی از افزایش یافتن همین مراکز یا فعالیت‌های آنهاست؛ زیرا هر چه تعداد این حرکت‌ها افزایش یابد، به همان نسبت بیم دوباره کاری و صرف هزینه و وقت و نیروی مضاعف فزونی خواهد گرفت.

چند پیشنهاد

برای پرهیز از نارسایی‌ها و ناهماهنگی‌های پیشگفته، لازم است سیاست و برنامه واحدی بر حوزه اطلاع‌رسانی حاکم باشد تا تعیین وظایف مراکز، پردازش اطلاعات مرتبط با این حوزه، و چگونگی ارائه خدمات در این زمینه تابع سلايق شخصی یا سازمانی نباشد.

نظام اطلاع‌رسانی اسلامی، در عین استقلال موضوعی، زیر مجموعه‌ای از نظام ملی اطلاع‌رسانی کشور است و باید از الگوها و ضوابط مقبول دست کم از جهات فنی و ساختاری، تبعیت کند. در عین حال، به اعتبار این که نظام‌های فرعی، خود ویژگی‌های هر نظام و سیستمی را

دارا هستند، لازم است مستقلاً به موارد زیر عنایت شود:

- شورایی متشکل از مدیران مراکز مهم اطلاع‌رسانی اسلامی تشکیل گردد. در ترکیب این شورا لازم است که متخصصان اطلاع‌رسانی و تحلیل سیستم نیز لحاظ شوند.

- این شورا با تشکیل کمیته‌های کار، سیاست و برنامه واحدی را برای فعالیت‌های مختلف در این حوزه طراحی و به مراکز عضو ابلاغ کند.

- شورای نظام اطلاع‌رسانی اسلامی ناگزیر می‌بایست برای مسائل مهم زیر تعیین تکلیف کند:

۱. محل دبیرخانه شورا و وظایف اعضای شورا و آیین‌نامه‌های اجرایی کار را پیش‌بینی کند

۲. اجرای برنامه‌های پژوهشی و خدماتی اطلاع‌رسانی اسلامی را مشخصاً تعریف و به عنوان وظایف مراکز، به تناسب اهداف آنها به ایشان ابلاغ کند؛

۳. ایجاد هرگونه مرکز یا اجرای هرگونه برنامه جدید در این زمینه با نظر و تأیید این شورا صورت گیرد؛

۴. ایجاد یا استمرار پایگاه‌های اطلاعاتی به تناسب وظایف مراکز، میان آنها تقسیم و در هر مورد تنها یک پایگاه اطلاعاتی ایجاد شود، ولی تمام مراکز در تقویت پایگاه‌ها - صرف نظر از محل استقرار آنها - تلاش کنند، تا از تکرار

پایگاه‌های مشابه، حتی اگر با نام‌های متفاوت باشد، جداً جلوگیری شود؛

۵. با رهنمودها و برنامه‌هایی که از سوی شورای نظام ارائه می‌شود، مراکز با یکدیگر ارتباط و همکاری دو جانبه داشته باشند، و موجودی هر مرکز بتواند با تساهل مدیریتی و سازمانی، مورد استفاده سایر مراکز قرار گیرد؛

۶. نرم‌افزارهای رایانه‌ای مناسب برای هر مقوله از کار، تعریف و برای استفاده در فعالیت‌های مشابه در مراکز اطلاع‌رسانی اسلامی توصیه شود؛

۷. زبان موضوعی رسمی، استاندارد شده، و منضبطی برای سازماندهی اطلاعات و متون و منابع اسلامی از طریق طراحی، تهیه، و گسترش اصطلاحنامه‌های مناسب ایجاد و برای اجرا ارائه شود؛

۸. شرایط فنی و تجهیزاتی ارتباطات الکترونیک (از قبیل استفاده رایانه، امکانات پست الکترونیک و نظایر آنها) با توجه به تناسب شبکه‌های موجود یا پیش‌بینی شده برای کل نظام تسهیل گردد.

تنها در چارچوب چنین پیش‌بینی‌هایی است که می‌توان امیدوار بود نظام اطلاع‌رسانی اسلامی همچون پیکری واحد عمل کند و بتواند هم در نظام کلان اطلاع‌رسانی کشور جایگاه مشخصی به خود اختصاص دهد و هم در مقیاس بین‌المللی به داد و ستد

اطلاعاتی با سایر جوامع و مجامع اسلامی بپردازد. باشد که این همه، پرتوی از درخشش‌های کهن اسلامی را بر تیرگی‌های عصر حاضر بتاباند. ■

* برداشتی از کتاب «اطلاع‌رسانی نظام‌ها و فرآیندها»، تألیف دکتر عباس حرّی. مآخذ:

1. Franz Rosenthal, *knowledge Triumphant: The Concept of Knowledge in Medieval Islam* (Leiden: E. J. Brill, 1970), PP. 19-20.

۲. عباس حرّی، مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی (نشر کتابخانه، تهران ۱۳۷۲)، ص ۹۸-۹۷.

۳. محمد مکی سباعی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه محمد عباسپور و محمد جواد مهدوی، (بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد ۱۳۷۳)، خصوصاً ص ۱۲۸-۸۷.

۴. آلی محمد عبدالحمید، «برنامه‌های اطلاعاتی جهان اسلامی»، ترجمه عباس حرّی، در شبکه اطلاع‌رسانی در کشورهای اسلامی (دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران ۱۳۶۹)، ص ۴۱-۴۰.

۵. همان، ص ۲۰-۱۰.

۶. علی عسکری یزدی، «ضرورت اطلاع‌رسانی در حوزه‌های علمیه»، در مجموعه مقالات اولین سمینار کاربردی مراکز و سازمان‌های پژوهش فرهنگی و اطلاع‌رسانی (سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۰)، ص ۹۰.

۷. راهنمای مراکز فرهنگی شهرستان قم (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم ۱۳۷۲)

۸. راهنمای مراکز فرهنگی مشهد مقدس (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم ۱۳۷۲)، پلی کیپی.

۹. شورای پژوهش‌های علمی کشور، گزارش ملی تحقیقات سال ۱۳۷۱، تهران: ۱۳۷۲.